



اربعین، روز برافراشته شدن پرچم پیام شهادت کربلا

سلام بر حسین و اربعینش، سلام بر اربعین و زائرانش...

سلام بر حسین و اربعینش، سلام بر اربعین و زائرانش!

و سلام بر اندوه های دل آنان که به سوغات بر مزار کشتگان، عشق بردند و به مویه نشستند. به شوق زیارت صحن و سرای جان فزایت، اربعین شهادت را به سوگ می‌نشینیم، یا حسین! و اربعین از رازهای هستی است و اربعین حسین (ع) روز بسط لطف اوست بر پیروان و دوستدارانش. و در مقام حسین (ع) همین بس که در زیارت اربعینش خطاب به جدشان محمد مصطفی (ص) و پدر بزرگوارشان حضرت علی (ع) و مادر گرامیشان فاطمه (س) می‌گوییم که خداوند عزاداری شما را در رثاء حسین (ع) قبول فرماید. اهمیت اربعین از کجاست؟ صرف این که چهل روز از شهادت شهید می‌گذرد، چه خصوصیتی دارد؟ اربعین خصوصیتش به خاطر این است که در اربعین حسینی یاد شهادت حسین زنده شد و این مسئله بسیار مهمی است. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) در 29 شهریور سال 68 با اشاره به جایگاه اربعین حسینی و پیام‌های این روز تاکید کردند؛ شما فرض کنید اگر این شهادت عظیم در تاریخ اتفاق می‌افتاد یعنی حسین بن علی (ع) و بقیه شهیدان در کربلا شهید می‌شدند، اما بنی‌امیه موفق می‌شدند همانطور که خود حسین را و یاران عزیزش را از صفحه روزگار برافکنند و جسم پاکشان را در زیر خاک پنهان کردند، یاد آنها را هم از خاطره نسل بشر در آن روز و روزهای بعد محو کنند.

ببینید در این صورت آیا این شهادت فایده‌ای برای عالم اسلام داشت؟ یا اگر هم برای آن روز یک اثری می‌گذاشت، آیا این خاطره در تاریخ هم، برای نسل‌های بعد هم، برای گرفتاری‌ها و سیاهی‌ها و تاریکی‌ها و یزیدی‌های دوران آینده تاریخ هم اثری روشنگر و افشا کننده داشت؟ اگر حسین شهید می‌شد، اما مردم آن روز و مردم نسل‌های بعد نمی‌فهمیدند که حسین شهید شده، آیا این خاطره چه اثری و چه نقشی می‌توانست در رشد و سازندگی و هدایت و برانگیزانندگی ملت‌ها و اجتماعات و تاریخ بگذارد؟ می‌بینید که هیچ اثری نداشت، بله حسین که شهید می‌شد، خود او به اعلی‌ین رضوان خدا می‌رسید، شهیدانی که کسی نفهمید و در غربت، در سکوت، در خاموشی شهید شدند، به اجر خودشان در آخرت رسیدند، روح آن‌ها فتوح و گشایش را در درگاه رحمت الهی به دست آورد، اما آیا چقدر درس شدند، چقدر اسوه شدند، درس، آن شهیدی می‌شود که شهادت او و مظلومیت او را نسل‌های معاصر و آینده او بدانند و بشنوند، درس و اسوه آن شهیدی می‌شود که خون او بجوشد و در تاریخ سرازیر بشود، مظلومیت یک ملت آن وقتی می‌تواند زخم پیکر ستم کشیده شلاق خورده ملت‌ها را شفا بدهد و مرهم بگذارد که این مظلومیت فریاد بشود، این مظلومیت به گوش انسان‌های دیگر برسد، برای همین است که امروز ابرقدرت‌ها صدا توی صدا انداختند که صدای ما بلند نشود، برای همین است که حاضرند پول‌های گزاف خرج کنند تا دنیا نفهمد که جنگ تحمیلی چرا به وجود آمد، با چه انگیزه‌ای، با دست که، با تحریک که. آن روز هم دستگاه‌های استکباری، حاضر بودند هر چه دارند خرج کنند به قیمت این که نام و یاد حسین و خون حسین و شهادت عاشورا مثل درس در مردم آن زمان و ملت‌های بعد باقی نماند و شناخته نشود. البته در اوائل کار درست نمی‌فهمیدند که چقدر مطلب با عظمت است. هر چه بیشتر گذشت، بیشتر فهمیدند.

در اواسط دوران بنی‌عباس حتی قبر حسین بن علی علیه السلام را ویران کردند، آب انداختند، خواستند از او هیچ اثری باقی نماند. نقش یاد و خاطره شهیدان و شهادت این است، شهادت بدون خاطره، بدون یاد، بدون جوشش خون شهید، اثر خودش را نمی‌بخشد و اربعین آن روزی است که برافراشته شدن پرچم پیام شهادت کربلا در آن روز آغاز شد و روز بازماندگان شهادت است. حالا چه در اربعین اول، خانواده امام حسین علیه السلام به کربلا آمده باشند و چه نیامده باشند. اما اربعین اول آن روزی است که برای اولین بار زائران شناخته شده حسین بن علی به کربلا آمدند؛ جابر بن عبدالله انصاری است و عطیه از اصحاب پیغمبر (ص)، از یاران امیرالمومنین (ع) و آمدند آن جا و جابر بن عبدالله حتی نابینا بود - آن‌طور که در نوشته‌ها و اخبار هست - و دستش را عطیه گرفت و برد روی قبر حسین بن علی گذاشت و او قبر را لمس کرد و گریه کرد و با حسین بن علی علیه‌السلام حرف زد و با آمدن خود و با سخن گفتن خود خاطره حسین بن علی را زنده کرد و سنت زیارت قبر شهداء را پایه‌گذاری کرد. یک چنین روز مهمی است روز اربعین.

امام صادق (ع) فرمودند: هرکس يك بيت شعر درباره‌ی حادثه‌ی عاشورا بگوید و کسانی را با آن بیت شعر بگریاند، خداوند بهشت را بر او واجب خواهد کرد

حرکت امام حسین (ع) برای اقامه‌ی حق و عدل بود: «؛ اما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی ارید ان امر بالمعروف وانهی عن المنکر...؛ (بحارالانوار، ج 44، ص 329). در زیارت اربعین که یکی از بهترین زیارات است، می‌خوانیم: «؛ و منح التصح و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیرة الضلالة«. آن حضرت در بین راه، حدیث معروفی را که از

پیامبر(ص) نقل کرده‌اند، بیان می‌فرمایند: «ایها الناس ان رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم قال: من رأى سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله ناکتا لعده الله مخالفا لسنة رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم يعمل فی عباد الله بالاثم والعدوان فلم یغیر علیه بفعل و لا قول کان حقا علی الله ان یدخله مدخله « (بحارالانوار، ج 44، ص 382).

تمام آثار و گفتار آن بزرگوار و نیز گفتاری که درباره‌ی آن بزرگوار از معصومین رسیده است، این مطلب را روشن می‌کند که غرض، اقامه‌ی حق و عدل و دین خدا و ایجاد حاکمیت شریعت و برهم زدن بنیان ظلم و جور و طغیان بوده است. غرض، ادامه‌ی راه پیامبر اکرم(ص) و دیگر پیامبران بوده است که: «یا وارث ادم صفة الله یا وارث نوح نبی الله...« (مفاتیح الجنان، زیارت وارث) و معلوم است که پیامبران هم برای چه آمدند: «لیقوم الناس بالقسط«. اقامه‌ی قسط و حق و ایجاد حکومت و نظام اسلامی.

اساساً اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر(ص)، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه‌گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون - از قبیل شهادت حسین بن علی(علیه السلام) در عاشورا - به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسل‌های بعد، از دستاورد شهادت استفاده‌ی زیادی نخواهند برد.

درست است که خدای متعال، شهدا را در همین دنیا هم زنده نگه می‌دارد و شهید به طور قهری در تاریخ و یاد مردم ماندگار است؛ اما ابزار طبیعی که خدای متعال برای این کار - مثل همه‌ی کارها - قرار داده است، همین چیزی است که در اختیار و اراده‌ی ماست. ما هستیم که با تصمیم درست و بجا، می‌توانیم یاد شهدا و خاطره و فلسفه‌ی شهادت را احیا کنیم و زنده نگهداریم.

رمز زنده ماندن واقعی عاشورا؛

اگر زینب کبری(سلام الله علیها) و امام سجاد(صلوات الله علیه) در طول آن روزهای اسارت - چه در همان عصر عاشورا در کربلا و چه در روزهای بعد در راه شام و کوفه و خود شهر شام و بعد از آن در زیارت کربلا و بعد عزیمت به مدینه و سپس در طول سال‌های متمادی که این بزرگواران زنده ماندند - مجاهدات و تبیین و افشاگری نکرده بودند و حقیقت فلسفه‌ی عاشورا و هدف حسین بن علی و ظلم دشمن را بیان نمی‌کردند، واقعه‌ی عاشورا تا امروز، جوشان و زنده و مشتعل باقی نمی‌ماند.

چرا امام صادق(علیه الصلوة والسلام) - طبق روایت - فرمودند که هرکس یک بیت شعر درباره‌ی حادثه‌ی عاشورا بگوید و کسانی را با آن بیت شعر بگریاند، خداوند بهشت را بر او واجب خواهد کرد؟ چون تمام دستگاه‌های تبلیغاتی، برای منزوی کردن و در ظلمت نگهداشتن مسأله‌ی عاشورا و کلاً مسأله‌ی اهل بیت، تجهیز شده بودند تا نگذارند مردم بفهمند چه شد و قضیه چه بود. تبلیغ، این‌گونه است.

آن روزها هم مثل امروز، قدرت‌های ظالم و ستمگر، حداکثر استفاده را از تبلیغات دروغ و مغرضانه و شیطنت‌آمیز می‌کردند. در چنین فضایی، مگر ممکن بود قضیه‌ی عاشورا - که با این عظمت در بیابانی در گوشه‌ی از دنیای اسلام اتفاق افتاده - با این تپش و نشاط باقی بماند؟ یقیناً بدون آن تلاشها، از بین می‌رفت.

آنچه این یاد را زنده کرد، تلاش بازماندگان حسین بن علی(علیه السلام) بود. به همان اندازه که مجاهدت حسین بن علی(علیه السلام) و یارانش به عنوان صاحبان پرچم، با موانع برخورد داشت و سخت بود، به همان اندازه نیز مجاهدت زینب(علیها السلام) و مجاهدت امام سجاد(علیه السلام) و بقیه‌ی بزرگواران، دشوار بود. البته صحنه آنها، صحنه‌ی نظامی نبود؛ بلکه تبلیغی و فرهنگی بود. ما به این نکته‌ها باید توجه کنیم.

درسی که اربعین به ما می‌دهد؛

درسی که اربعین به ما می‌دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره‌ی شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگهداشت. شما ببینید از اول انقلاب تا امروز، تبلیغات علیه انقلاب و امام و اسلام و این ملت، چه قدر پرچم بوده است. چه تبلیغات و طوفانی که علیه جنگ به راه نیفتاد جنگی که دفاع و حراست از اسلام و میهن و حیثیت و شرف مردم بود.

ببینید دشمنان علیه شهدای عزیزی که جانشان - یعنی بزرگترین سرمایه‌شان - را برداشتند و رفتند در راه خدا نثار نمودند، چه کردند و مستقیم و غیرمستقیم، با رادیوها و روزنامه‌ها و مجله‌ها و کتاب‌هایی که منتشر می‌کردند، در ذهن آدم‌های ساده لوح در همه جای دنیا، چه تلقینی توانستند بکنند.

حتی افراد معدودی از آدم‌های ساده دل و جاهل و نیز انسان‌های موجه و غیر موجهی در کشور خودمان هم، در آن فضای ملتهب جنگ، گاهی حرف‌هایی می‌زدند که ناشی از ندانستن و عدم احاطه به حقایق بود. همین چیزها بود که امام عزیز را برمی‌آشفته و وادار می‌کرد که با آن فریاد ملکوتی، حقایق را با صراحت بیان کند.

اگر در مقابل این تبلیغات، تبلیغات حق نبود و نباشد و اگر آگاهی ملت ایران و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان، در خدمت حقیقتی که در این کشور وجود دارد، قرار نگیرد، دشمن در میدان تبلیغات غالب خواهد شد. میدان تبلیغات، میدان بسیار عظیم و خطرناکی است. البته، اکثریت قاطع ملت و آحاد مردم ما، به برکت آگاهی ناشی از انقلاب، در مقابل تبلیغات دشمن بیمه هستند و مصونیت پیدا کرده‌اند. از بس دشمن دروغ گفت و چیزهایی را که در مقابل چشم مردم بود، به عکس و واژگون نشان داد و منعکس کرد، اطمینان مردم ما نسبت به گفته‌ها و بافته‌ها و یاهوگویی‌های تبلیغات جهانی، بکلی سلب شده است.

دستگاه ظالم جبار یزیدی با تبلیغات خود، حسین بن علی(ع) را محکوم می‌ساخت و وانمود می‌کرد که حسین بن علی(ع) کسی بود که بر ضد دستگاه عدل و حکومت اسلامی و برای دنیا قیام کرده است!! بعضی هم، این تبلیغات دروغ را باور می‌کردند. بعد هم که حسین بن علی(علیه السلام)، با آن وضع عجیب و با آن شکل فجیع، به وسیله‌ی دژخیمان در صحرای کربلا به شهادت رسید، آن را یک

غلبه و فتح وانمود می‌کردند! اما تبلیغات صحیح دستگاه امامت، تمام این بافته‌ها را عوض کرد. حق، این‌گونه است.

منبع: پایگاه مقام معظم رهبری